

چکیده

از میان وزن‌های شعر فارسی ۲۹ وزن بسیار پرکاربرد است. یافتن اصول اوزان شعر فارسی بسیار آسان است؛ به حدی که می‌توان این اصول را در یکی دو جلسه فرا گرفت اما برای فرا گرفتن این وزن‌ها دشواری‌هایی وجود دارد. برای این که بر این مشکلات فائق آییم و نام اوزان شعر را به خاطر علاقه، رشته و کنکور به روشی آسان یاد بگیریم، نگارنده شیوه آسانی را پیش نهاد می‌کند. این شیوه به دانش‌آموزان کمک می‌کند با کمی تلاش، آمادگی لازم را برای پاسخ‌گویی به سؤالات مربوط و رفع نیازهای خود کسب کنند. در این شیوه، دانش‌آموزان با تقسیم کردن ۲۹ وزن به دو گروه، و یافتن نکات اشتراک آن‌ها، نام‌های فزّار بر مبنای مقایسه ارکان به راحتی یاد می‌گیرند؛ یعنی، تنها با یاد گرفتن چند نام، می‌توانند مهارت کافی را در این موضوع پیدا کنند. این مقاله با استفاده از روش تحقیق کتاب‌خانه‌ای و با عنایت به تجارب علمی نگارنده در جهت پاسخ به نیاز همکاران و دانش‌آموزان و کمک به یافتن راهی کوتاه و آسان تدوین شده است.

کلید واژه‌ها:

عروض، ارکان، قواعد، تعیین وزن، شیوه، گروه وزن‌ها، نام وزن‌های شعر.

مقدمه

تعداد وزن‌های شعر فارسی بسیار زیاد است اما پرکاربردترین آن‌ها ۲۹ وزن است. اگر به‌طور اتفاقی، اشعاری را که توسط ۴۲ تن شاعر سروده شده‌اند در نظر بگیریم، می‌بینیم که نزدیک ۹۹ درصد آن‌ها در این ۲۹ وزن است (کم‌تر از ۲ درصد یعنی ۲۵۶ شعر در ۵۸ وزن دیگر). با توجه به این نکته می‌توان گفت با فرا گرفتن این ۲۹ وزن بیش‌تر اوزان دیوان شاعران را شناخته‌ایم (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۲: ۵۵) یکی از موضوعات مهم و در عین حال دشوار در این زمینه، فرا گرفتن نام وزن‌های شعر فارسی است. برای یاد گرفتن نام این ۲۹ وزن مشکلاتی وجود دارد.

این مقاله به دنبال آن است که شیوه‌ای ساده و آسان را به دبیران گرامی و دانش‌آموزان عزیز ارائه کند تا این نام‌ها را به آسانی یاد بدهند و یاد بگیرند در این شیوه دانش‌آموز به راحتی نام همه وزن‌های شعر را می‌آموزد؛ بدون این که خود را درگیر جزئیات خسته‌کننده زحافات و ... کند.

دشواری‌های عروض سنتی

شیوه رایج و مشکلات عروض سنتی را از مقدمه کتاب درسی قافیه و عروض مدنظر قرار می‌دهیم. همکاران ارجمند، معلمان عروض، شاید شما با عروض علمی الفتی نداشته باشید. در این صورت، با عروض سنتی، که دارای مشکلات و تناقضات و اسامی عجیب است، آشنایی دارید و برای فرا گرفتن آن زحمت بسیار کشیده و با آن مأنوس شده‌اید؛ بنابراین، حتی اگر تعصبی هم نداشته باشید، ممکن است دلیلی نبینید که متحمل زحمتی دیگر شوید و عروض علمی را که بنای این کتاب بر آن است، فرا گیرید. این است که از عروض سنتی، به ویژه از این زاویه که پیشینیان ما قرن‌ها با آن روش کار کرده‌اند، دفاع می‌کنید. حال آن که اگر عروض علمی را به دقت مطالعه فرمایید، در خواهید یافت که چه قدر ساده و دقیق و منظم است و اشکالات و تناقضات عروض سنتی را ندارد. از طرفی، حرفه معلمی ایجاب می‌کند که پیوسته با تازه‌های علمی و روش‌های جدید و ساده تدریس هر علم آشنا شویم تا بتوانیم به دانش‌آموزان با زحمتی کم‌تر بهره‌ای بیش‌تر برسانیم.

به علاوه، عروض علمی برای دانش‌آموزان، که عروض سنتی را نمی‌دانند، نوشته شده و هدف این است که آن‌ها مثل ما در آموختن عروض دچار مشکلات نشوند و عروض فارسی را به صورت علمی و با روشی هر چه ساده‌تر فرا بگیرند.

از طرفی، گرچه این عروض، علمی است اما در این کتاب مؤلف کوشیده است که ضمن علمی بودن حتی‌الامکان پیوند با عروض سنتی را حفظ کند و در حقیقت در آن تنها اشکالات و تناقضات مهم عروض سنتی کنار گذاشته شده است. روش بسیار ساده تقطیع و پیدا کردن اوزان در این کتاب حاصل سالیان دراز تدریس و پژوهش در عروض سنتی و عروض علمی است. سادگی آن به حدی است که اصول یافتن وزن اشعار را در یکی دو جلسه می‌توان فرا گرفت.

یکی از اشکالات بزرگ عروض سنتی این است که عروضیان ما اوزان شعر فارسی را مستقلاً و چنان‌که بوده توصیف و بررسی نکرده‌اند بلکه برعکس، آن‌ها را در چهارچوب قواعد محدود عروض خلیل بن احمد تنظیم کرده‌اند و حال آن که عروض فارسی از جهت نظم و دقت و خوش‌آهنگی و امکان تولید اوزان تازه و به‌ویژه کثرت اوزان (با داشتن حدود سیصد و پنجاه وزن) در جهان بی‌نظیر است. از طرفی، قواعد محدود عروض خلیل بن احمد خاص اوزان شعر عرب است

ارزش و اهمیت
این شیوه در
این است که
دانش آموز
کلیت موضوع
را به شیوه‌ای
ابتکاری و ساده
می‌آموزد و با
همین یادگیری،
از عهدهٔ
پاسخ‌گویی به
سؤالات کنکور
برمی‌آید و نیاز
خود را برآورده
می‌سازد. به
عبارتی، در
این شیوه
دانش آموز
به راحتی نام
همهٔ وزن‌های
شعر فارسی را
می‌آموزد؛ بدون
این‌که خود را
درگیر جزئیات
خسته‌کنندهٔ
زحافات و ...
کند.

جدول یکی از نام‌ها (مجث، خفیف، مضارع، منسرح، سریع) انتخاب شود. اگر ارکان اول بیت مورد نظر با هیچ‌یک از اوزان یاد شده سازگار نیامد، نامی از اوزان جدول «ب» انتخاب شود. پس در هر نوع شعری، ابتدا ارکان هر مصراع با جدول «الف» و در صورت نیاز با جدول «ب» مقایسه می‌شود. برای مثال، دو رکن اول بیت:

گرم عذاب نمایی به داغ و درد جدایی

شکنجه صبر ندارم بریز خونم و رستی

«مفاعیلن فاعلاتن» است و برابر جدول «الف»، نام این وزن «مجث» است. دو رکن اول بیت:

تقدیر که بر کشتنت آزرم نداشت

بر حسن جوانی ات دل نرم نداشت

«مفعول مفاعیل» است و چون این دو رکن با هیچ‌یک از دو رکن اول گروه‌های جدول «الف» مطابقت ندارند، لذا کمی دقت در جدول «ب» می‌توان نتیجه گرفت که در وزن «هزج» سروده شده است. و سه رکن بیت:

فاتحهٔ فکرت و ختم سخن

نام خدای است بر او ختم کن

«مفتعلن مفتعلن فاعلن» است. با توجه به توضیحی که ارائه شد، چون اولین رکن آن «مفتعلن» است، سه رکن آن را مدنظر قرار می‌دهیم و در جدول «الف» به دنبال ارکان مورد نظر می‌گردیم. با کمی دقت ملاحظه می‌شود که نام آن «سریع» است.

و اوزان شعر عرب ویژگی‌های خاص خود را دارد و تعداد آن‌ها کم‌تر از یک پنجم شعر فارسی است. بر این اساس، عروض عرب برای تنظیم و تدوین عروض فارسی، که علاوه بر عظمت و زیبایی، قواعدی خاص دارد، به هیچ وجه مناسب نیست. ناگفته نماند که در گذشته بعضی از عروضیان ما متوجه برخی از این نارسایی‌های عروض خلیل بن احمد برای تدوین عروض فارسی شده و در مواردی قواعد آن را زیر پا گذاشته‌اند. امروز بر ماست که ضمن حفظ سنت‌های درست، اشکالات و خطاهای عروض گذشته را رها سازیم و قواعد عروض فارسی را آن‌چنان که هست توصیف کنیم.»

(وحیدیان کامیار، ۱۳۸۲: ۲۱)

برای آموزش آسان این نام‌ها، آن‌ها را به دو گروه تقسیم می‌کنیم و مینا را بر مقایسهٔ دو یا سه رکن اول قرار می‌دهیم. به همین منظور، از نام‌گذاری‌های مختلف (متفق‌الارکان، مختلف‌الارکان، متناوب‌الارکان و ...) و گروه‌بندی‌های متعدد صرف‌نظر می‌کنیم و از دو نام «جدول الف» و «جدول ب» بهره می‌گیریم.

حال اگر به عناوین ذکر شده در دو گروه توجه کنیم، می‌بینیم در جدول «الف» پنج کلمه (مجث، خفیف، مضارع، منسرح، سریع) و در جدول «ب» چهار کلمه (رمل، رجز، هزج و متقارب) اولین و مهم‌ترین کلمهٔ نام شعر را تشکیل می‌دهند. توجه به این نه کلمه، آن هم با اولویت پنج کلمهٔ جدول «الف» کارگشا خواهد بود.

اولویت جدول الف

با توضیحی که ارائه شد، پیشنهاد می‌شود هر بیتی که تقطیع می‌شود، ابتدا با جدول «الف» مطابقت داده شود؛ اگر دو رکن اول آن، و رکن اول بیتی «مفتعلن» بود و سه رکن اول آن، با جدول فوق مطابقت کرد، از بین نام‌های همان

دو رکن اول

شیوه‌ای نو و آسان برای آموزش نام اوزان شعر

عروض
علمی برای
دانش‌آموزان،
که عروض
سنتی را
نمی‌دانند،
نوشته شده و
هدف این است
که آن‌ها مثل
مادر آموختن
عروض دچار
مشکلات نشوند
و عروض
فارسی را به
صورت علمی
و با روشی هر
چه ساده‌تر
فراگیرند.

قواعد محدود
عروض خلیل
بن احمد
خاص اوزان
شعر عرب
است و اوزان
شعر عرب
ویژگی‌های
خاص خود را
دارد و تعداد
آن‌ها کمتر از
یک پنجم شعر
فارسی است

و بیت‌های:

در نگاهش شکفته روح سحر
بر لبانش ترانه توحید
ای باد بامدادی خوش می‌روی به شادی
پیوند روح کردی پیغام دوست دادی
شاید اگر آفتاب و ماه نتابد
پیش دو ابروی چون هلال محمد
ای مدنی برقع و مکی نقاب
سایه‌نشین چند بود آفتاب
بسم از هوا گرفتن که پری نماند و بالی
به کجا روم ز دستت که نمی‌دهی مجالی
از کرده خویشتن پشیمانم
جز توبه ره دگر نمی‌دانم
از نظرت کجا رود ور برود تو هم‌رهی
رفت و رها نمی‌کنی، آمد و ره نمی‌دهی
به سبزه درون، لاله نو شکفته
عقیق است گویی به پیروزه اندر
با توجه به دو یا سه رکن اول آن‌ها و با اولویت دادن به
جدول «الف» به ترتیب در بحرهای «خفیف»، «مضارع»،
«منسرح»، «سریع»، «رمل»، «هزج»، «رجز» و «مقارب»
سروده شده‌اند.

باز جدول الف

یکبار دیگر به صورت کامل شده جدول «الف» توجه می‌کنیم.
اگر به این جدول با دقت بیش‌تری توجه کنیم، نکات جالبی
در آن می‌بینیم. در زیر به بعضی نکاتی که به یادگیری نام
وزن‌های شعر فارسی کمک زیادی می‌کنند، اشاره می‌شود.
الف) اولین نام، مجتث (محدوف) پرکاربردترین وزن شعر
فارسی است.
ب) دو رکن اول اوزان مجتث و خفیف عکس هم‌اند؛
(مفاعیلن فاعلاتن → ← فاعلاتن مفاعیلن)
پ) ارکان دو وزن آخر به نحوی دیگر با هم ارتباط دارند و به
فراگیری این بحث کمک می‌کنند.
ت) در نام دو وزن آخر جدول حرف «س» به کار رفته است
که می‌تواند به یاد گرفتن نام اوزان کمک کند.
ث) زحاف مهم دو وزن اول «مخبون» و دو وزن آخر «مطوی»
و وزن وسط «اخر» است.
ج) ...
بنابراین، استفاده از این دو جدول با توجه به توضیحی که
ارائه شد، به آسان‌تر شدن آموزش نام این وزن‌ها کمک
خواهد کرد.
با در نظر گرفتن توضیحات یاد شده، تشخیص دادن نام وزن
هر یک از بیت‌های زیر با توجه به دو یا سه رکن اول هر یک

از مصراع‌های آن‌ها بسیار آسان است.
برای مثال، نام ردیف‌های ۱، ۲، ۱۱ و ۱۵ عبارت خواهد بود
از: هزج اخر (مقبوض)، رجز مطوی مخبون، مجتث مخبون
محدوف و سریع مطوی (مکشوف).

نتیجه‌گیری

۱. تعداد اوزان شعر فارسی بسیار زیاد است.
۲. پرکاربردترین آن‌ها ۲۹ وزن است.
۳. آموزش نام این اوزان بنا به دلایلی ضروری است؛ از جمله
این ضرورت‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: اشتیاق معلم
به آموزش همه جانبه مباحث مختلف کتاب، طرح سؤال از
این عناوین در کنکور سراسری و علاقه‌مندی دانش‌آموزان به
یادگیری این مباحث.
۴. استفاده از شیوه‌های تدریس علمی و میان‌بر می‌تواند در
آموزش عناوین و مباحث دشوار و پیچیده راه‌گشا باشد.
۵. ارزش و اهمیت این شیوه در این است که دانش‌آموز
کلیت موضوع را به شیوه‌ای ابتکاری و ساده می‌آموزد و با
همین یادگیری، از عهده پاسخ‌گویی به سؤالات کنکور
برمی‌آید و نیاز خود را برآورده می‌سازد. به عبارتی، در این
شیوه دانش‌آموز به راحتی نام همه وزن‌های شعر فارسی را
می‌آموزد؛ بدون این‌که خود را درگیر جزئیات خسته‌کننده
زحافات و ... کند.
امید است که این اندک از بسیارها مورد عنایت و توجه اهل
ادب و معرفت، به ویژه همکاران فرهیخته قرار گیرد.

پی‌نوشت

۱. در چاپ جدید کتاب، «بحر قریب» حذف شده است. این وزن شش
رکن دارد: مفعول مفاعیلن فاعلاتن (قریب مسدس اخر) ...
۲. به وزن غریب در کتاب درسی اشاره‌ای نشده است. دو رکن این
وزن با دو رکن اول خفیف یکی است؛ با این تفاوت که تعداد رکن‌های
خفیف، شش رکن و تعداد رکن‌های غریب هشت عدد است: فاعلاتن
مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن (غریب مثنی مخبون).

منابع

۱. احمدنژاد، کامل؛ فنون ادبی، تهران، دوم، آرمنا، ۱۳۷۴.
۲. خواجه نصیرالدین طوسی؛ معیار الاشعار، چاپ سنگی، ۱۳۲۰ ق.
۳. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه، ۱۵ جلد، دوم، تهران، مؤسسه انتشارات
و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۴. شمیسا، سیروس؛ آشنایی با عروض و قافیه، فردوس، ۱۳۶۷.
۵. ناتل خاتلری، پرویز؛ وزن شعر فارسی، تهران ۱۳۳۷.
۶. نجفی، ابوالحسن؛ درباره طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، مجله
آشنایی با دانش، فروردین ۱۳۵۹.
۷. وحیدیان کامیار، تقی؛ ادبیات فارسی ۱ (قافیه و عروض - نقد ادبی)،
تهران، نهم، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۲.

جدول الف

نام وزن	ارکان	گروه
مجتث مثنیٰ مخبون مجتث مثنیٰ مخبون محذوف	مفاعیل فاعلاتن مفاعیل فاعلاتن مفاعیل فاعلاتن مفاعیل فاعلن	مجتث
خفیف مسدس مخبون محذوف	فاعلاتن مفاعیل فاعلن	خفیف
مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف مضارع مسدس اُخرب مکفوف مضارع مثنیٰ اُخرب	مستفعلن مفاعیل مستفعلن فاعل (= مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن) مستفعلن مفاعیل مفعولن (= مفعول فاعلات مفاعیلن) مستفعلن فاعولن // مستفعلن فاعولن (= مفعول فاعلاتن // مفعول فاعلاتن)	مضارع
منسرح مثنیٰ مطوی مکشوف منسرح مثنیٰ مطوی منحور	مفتعلن فاعلن // مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلات مفتعلن فاع	منسرح
سریع مسدس مطوی مکشوف	مفتعلن مفتعلن فاعلن	سریع

جدول ب

نام وزن	ارکان	گروه
رمل مثنیٰ سالم رمل مثنیٰ محذوف (= مقصور) رمل مسدس محذوف (= مقصور) رمل مثنیٰ مخبون رمل مثنیٰ مخبون محذوف (= مقصور) رمل مسدس مخبون محذوف (= مقصور) رمل مثنیٰ مشکول	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن فعلات فاعلاتن فاعلات فاعلاتن	رمل
رجز مثنیٰ سالم رجز مثنیٰ مطوی رجز مثنیٰ مطوی مخبون	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفاعیل مفتعلن مفاعیل	رجز
هزج مثنیٰ سالم هزج مثنیٰ اُخرب هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف محبوب هزج مسدس محذوف هزج مسدس اُخرب مقبوض هزج مسدس اُخرب مقبوض محذوف	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مستفعلن مفعولن // مستفعلن مفعولن (= مفعول مفاعیلن // مفعول مفاعیلن) مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن (= مفعول مفاعیل فاعولن) مستفعلن مستفعلن مستفعلن فاع (= مفعول مفاعیل فاعل) مفاعیلن مفاعیلن فاعولن مستفعلن فاعلات مستفعلن (= مفعول مفاعیلن مفاعیلن) مستفعلن فاعلات فاعلن (= مفعول مفاعیل فاعولن)	هزج
مقارب مثنیٰ سالم مقارب مثنیٰ محذوف	فَاعولن فَاعولن فَاعولن فَاعولن فَاعولن فَاعولن فَاعولن فَاعولن	مقارب

نام وزن	معادل	زحاف مشترک	تقطیع دو یا سه (به جز بحر در سریع) رکن اول هر وزن
مجتث مثنیٰ مخبون مجتث مثنیٰ مخبون محذوف	مفاعیل فاعلاتن مفاعیل فاعلاتن مفاعیل فاعلاتن ۲ مفاعیل فاعلن	مخبون	-uu / -u-u
خفیف مسدس مخبون محذوف	فاعلاتن مفاعیل فاعلن		-uuu / -u-u
مضارع مثنیٰ اُخرب مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف	مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن مفعول فاعلات مفاعیلن مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن	اُخرب	u-u-/u- یا -u-/u-
منسرح مثنیٰ مطوی منحور منسرح مثنیٰ مطوی مکشوف	مفتعلن فاعلات مفتعلن فاع مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن	مطوی	u-u-/uuu- -u-/uuu-
سریع مسدس مطوی مکشوف	مفتعلن مفتعلن فاعلن		-u-/uu-/uuu-

شیوهٔ پیش‌نهادی

در جدول زیر ارکان و نام ۲۸ وزنی که در ص ۵۵ کتاب، با عنوان گروه‌های اوزان ذکر شده، آمده است.

ردیف	ارکان	نام وزن
۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	رمل مَثْمَن سالم
۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مَثْمَن محذوف (= مقصور)
۳	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مسدس محذوف (= مقصور)
۴	فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن	رمل مَثْمَن مخبون
۵	فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن	رمل مَثْمَن مخبون محذوف (= مقصور)
۶	فعلاتن فعلاتن فعلن	رمل مسدس مخبون محذوف (= مقصور)
۷	مفتعلن مفتعلن مفتعلن فتعلن	رجز مَثْمَن مطوی
۸	مفتعلن مفتعلن فاعلن	سریع مسدس مطوی مکشوف
۹	مفتعلن فاعلن // مفتعلن فاعلن	منسرح مَثْمَن مطوی مکشوف
۱۰	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستف (=مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن)	هزج مَثْمَن اُخرب مکفوف محذوف
۱۱	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستف (=مفعول مفاعیل مفاعیل فعل)	هزج مَثْمَن اُخرب مکفوف محبوب
۱۲	مستفعلن مفعولن // مستفعلن مفعولن (=مفعول مفاعیلن //مفعول مفاعیلن)	هزج مَثْمَن اُخرب
۱۳	مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل (=مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن)	مضارع مَثْمَن اُخرب مکفوف محذوف
۱۴	مستفعلن مفاعل مفعولن (=مفعول فاعلات مفاعیلن)	مضارع مسدس اُخرب مکفوف
۱۵	مستفعلن فعولن // مستفعلن فعولن (=مفعول فاعلاتن //مفعول فاعلاتن)	مضارع مَثْمَن اُخرب
۱۶	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	هزج مَثْمَن سالم
۱۷	مفاعیلن مفاعیلن فعولن	هزج مسدس محذوف
۱۸	فعولن فعولن فعولن فعولن	مقارب مَثْمَن سالم
۱۹	فعولن فعولن فعولن فعل	مقارب مَثْمَن محذوف
۲۰	مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلاتن	مجتث مَثْمَن مخبون
۲۱	مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن	مجتث مَثْمَن مخبون محذوف
۲۲	مستفعلن فاعلات مستفعلن (مفعول مفاعیلن مفاعیلن)	هزج مسدس اُخرب مقبوض
۲۳	مستفعلن فاعلات فعلن (مفعول مفاعیلن فعولن)	هزج مسدس اُخرب مقبوض محذوف
۲۴	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	رجز مَثْمَن سالم
۲۵	فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن	رمل مَثْمَن مشکول
۲۶	فعلاتن مفاعیلن فعلن	خفیف مسدس مخبون محذوف
۲۷	مفتعلن فاعلات مفتعلن فع	منسرح مَثْمَن مطوی منحور
۲۸	مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن	رجز مَثْمَن مطوی مخبون



ردیف	بیت	ارکان
۱	از کرده خویشتن پشیمانم / جز توبه ره دگر نمی دانم	مفعول مفاعیلن مفاعیلن
۲	از نظرت کجا رود، ور برود تو همهرمی / رفت و رها نمی کنی، آمد و ره نمی دهی	مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن
۳	الهی سینه‌ای ده آتش افروز / در آن سینه دلی وان دل همه سوز	مفاعیلن مفاعیلن مفعولن
۴	امروز روز شادی و امسال سال گل / نیکوست حال ما که نکوباد حال گل	مفعول فاعلاتن مفاعیلن فاعلن
۵	ای آن که غمگنی و سزاواری / واندر نهان سرشک همی باری	مفعول فاعلاتن مفاعیلن
۶	ای باد بامدادی خوش می روی به شادی / پیوند روح کردی پیغام دوست دادی	مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن
۷	ای مسلمانان فغان از جور چرخ چنبری / وز نفاق تیر و قصد ماه و کید مشتری	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
۸	با من بگو تا کیستی؟ مهری بگو، ماهی بگو / خوابی؟ خیالی؟ چیستی؟ اشکی بگو آهی بگو	تکرار چهار بار مستفعلن
۹	بت خود را بشکن خوار و ذلیل / نامور شو به فتوت چو خلیل	فاعلاتن فاعلاتن فعلن
۱۰	بسم از هوا گرفتن که پری نماند و بالی / به کجا روم ز دست که نمی دهی مجالی	فعلاتن فاعلاتن فعلاتن فاعلاتن
۱۱	به حسن خلق و وفا کس به یار ما نرسد / تو را درین سخن انکار کار ما نرسد	مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن
۱۲	به سبزه درون لاله‌ای نو شکفته / عقیق است گویی به پیروزه اندر	ففعولن ففعولن ففعولن
۱۳	تا کی به تمنای وصال تو یگانه / اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه	مفعول مفاعیلن مفاعیلن فاعلن
۱۴	تقدیر که بر کشتنت آرم نداشت / بر حسن جوانی ات دل نرم نداشت	مفعول مفاعیلن مفاعیلن فعل
۱۵	دانه چو طفلی است در آغوش خاک / روز و شب این طفل به نشو و نماست	مفتعلن مفاعیلن فاعلن
۱۶	در نگاهش شکفته روح سحر / بر لبانش ترانه توحید	فعلاتن مفاعیلن فعلن
۱۷	روزگار است این که که عزت دهد گه خوار دارد / چرخ بازی گر ازین بازیچه‌ها بسیار دارد	تکرار چهار بار فاعلاتن
۱۸	شاید اگر آفتاب و ماه نتابد / پیش دو ابروی چون هلال محمد	مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع
۱۹	عشق تو بر بود ز من مایه مایی و منی / خود نبود عشق تو را چاره ز بی خویشتنی	مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن
۲۰	کرده گلو پر ز باد قمری سنجاب پوش / کبک فرو ریخته مُشک به سوراخ گوش	مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن
۲۱	گرم عذاب نمایی به داغ و درد جدایی / شکنجه صبر ندارم بریز خونم و رستی	مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن
۲۲	لاف از سخن چو در توان زد / آن خشت بود که پُر توان زد	مفعول مفاعیلن ففعولن
۲۳	مرا در منزل جانان چه امن عیش چون هر دم / جرس فریاد می دارد که بر بندید محمل‌ها	تکرار چهار بار مفاعیلن
۲۴	مگردان سر از دین و از راستی / که خشم خدا آورد کاستی	ففعولن ففعولن ففعولن
۲۵	نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند / همه اسم‌اند و تو جسمی، همه جسم‌اند و تو روحی	فعلاتن فاعلاتن فعلاتن فاعلاتن
۲۶	نه من خام طمع عشق تو می‌ورزم و بس / که چو من سوخته در خیل تو بسیاری هست	فعلاتن فاعلاتن فعلاتن فعلن
۲۷	وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها / بی خویشتنم کردی بوی گل و ریحان‌ها	مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن
۲۸	هر کسی از ظن خود شد یار من / از درون من نجست اسرار من	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن